

قانون اساسی نیازمند اجرای دقیق است نه درخواست اصلاح

اثبات کارآمدی قانون اساسی با برگزاری انتخاباتی سریع و سالم

متحرف کردن افکار عمومی است، والا ظرفیت‌های بالقوه موجود در قانون اساسی توان حل مشکلات ریزودرشت کشور را دارد. مثلاً در بندهای ۹ و ۱۲ اصل سوم قانون اساسی «رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی» و «بیریزی اقتصاد صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه» از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران شمرده شده است که باید همه امکانات خود را برای نیل به آن به

«بازنگری قانون اساسی» یکی از پرسامدترین گزاره‌های سیاسی چند سال اخیر است که معمولاً در پایان دوره چهارساله دوم مدیریت رؤسای جمهور مطرح می‌شود و تنوع‌گیزه کنندگان این ایده، بدون توجه به ظرفیت‌های موجود و کم‌کاری‌های اجرایی قانون اساسی، مدعی می‌شوند که چون این قانون پاسخوگی اقتضانات عصر حاضر نیست، پس باید به تیغ جراحی سپرده شود. جالب آنکه این نوا از حلقوم جریانات سیاسی و افرادی به گوش می‌رسد که غالباً با چارچوب همین قانون در مسند قدرت بودند و هستند اما از اجرای کامل آن بخش‌هایی که از تباط مستقیم با زندگی روزمره مردم دارد و اگر اجرا می‌شد، شاهد بخش عمده‌ای از مشکلات امروزی نبودیم، سسر باز زده‌اند و می‌زنند. پر گزاری سریع و سالم انتخابات ریاست جمهوری بار دیگر ظرفیت‌های قانون اساسی را نشان داد و ثابت کرد در صورت عمل کامل به اصول مصرح همین قانون، گر ه‌های سیاسی و اقتصادی گشوده می‌شود، بنابراین دولت‌ها به جای تمرکز بر بازنگری آن که بیشتر بوی سیاسی و پوشاندن ناتوانی می‌دهد، باید بر اجرای کامل آن متمرکز شوند.

ساروز اصلاح قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به گفته بنیانگذار انقلاب اسلامی مان «بزرگ‌ترین ثمره جمهوری اسلامی»، نزدیک است یعنی ششم مرداد.

پس از همه‌پرسی تاریخی ۲ فروردین ۱۳۵۸ که «جمهوری اسلامی» با رأی اکثریت قریب‌به‌اتفاق ملت ایران، نظام سیاسی کشورمان انتخاب شد، تدوین «قانون اساسی» در دستور کار مجلس خبرگان قانون اساسی قرار گرفت و پس از تصویب در این مجلس متشکل از آرا و سلیقه‌های سیاسی مختلف، به رأی ملت گذاشته شد و نهایتاً روزهای یکشنبه و دوشنبه ۱۱ و ۱۲ آذر ۱۳۵۸ با ۹۶/۵ درصد آرا به تأیید ملت ایران اسلامی رسید.

این پایان کار نبود و با گذشت ۱۰ سال سرشراز از فراز و فرود، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۶۸ به دستور رهبر کبیر انقلاب حضرت امام(ره) به منظور رفع نقایص مورد بازنگری قرار گرفت و متن اصلاح‌شده آن نیز مدت کمی پس از رحلت بنیانگذار فرزانه انقلاب، یعنی ششم مرداد ۱۳۶۸ مجدداً با رأی ملت تصویب شد و هم‌اکنون قانون اساسی کشورمان مشتمل بر ۱۷۷ اصل در ۱۴ فصل منشور نظام جمهوری اسلامی ایران است.

مقدمه قانون اساسی که مع‌الأسف کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، این قانون را مبنی نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی قلمداد کرده که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است.

همچنین در همین بخش تأکید شده است: «ماهیت انقلاب عظیم اسلامی ایران و روند مبارزه مردم مسلمان از ابتدا تا پیروزی که در شعارهای قاطع و کوبنده همه قشرهای مردم تبلور می‌یافت، این خواست اساسی را مشخص کرده است و اکنون در پایتبع این پیروزی بزرگ، ملت ما با تمام وجود نیل به آن را می‌طلبد».

خبرگان معتقدند با اجرای صحیح و کامل همین قانون فعلی قریب‌به‌اتفاق همه مشکلات کشور بر طرف می‌شود، بنابراین سخن راندن از اصلاح قانون اساسی بیشتر خیز برای

سطح متوسطه)، ۴۵(انفال) و ثروت‌های عمومی در اختیار حاکمیت)، ۴۸(برخور داری عادلانه هر منطقه به فراخور استعداد)، ۴۲(رسیدگی به اموال مسئولان) و ۱۶۵(علنی بودن محاکمات).

عباسعلی کخدايي که چندین سال رای سخنگویی شورای نگهبان را بر عهده داشت و هم‌اکنون عضو حقوقدان و رئیس پژوهشکده حقوقی این شورا نیز است، شاید بهترین شخص برای اظهارنظر درباره اصلاح قانون اساسی باشد که سال‌ها از نزدیک با آن کار کرده و در مقام سؤال خبرنگاران

«

سخن راندن از الزام بازنگری در قانون اساسی بیشتر رنگ‌بوی پوشاندن ضعف‌های اجرایی است، والا مگر ممکن است مجری نیازهای اساسی مصرح در قانون اساسی را تأمین کند و ناراضی‌تی مردم همچنان باقی باشد؟! شاید یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ناراضی‌تی به «تبعیضات ناروا» برمی‌گردد که قانونگذار صریحاً آن را از وظایف دولت تلقی کرده و باید هر چه سریع‌تر مر توقع شود

مجدد ندارد. سخنگوی پیشین شورای نگهبان ضمن ستایش نگاه ژرف و آینده‌نگری حضرت امام خمینی(ره) بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی در تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: در آن سال‌های ابتدایی انقلاب، خیلی‌ها معتقد بودند تازه انقلاب کرده‌ایم و فعلاً به دلیل بی‌تجربگی نیازی به تدوین قانون اساسی نداریم و بعد از گذشت چند سال و کسب تجربه باید قانون اساسی را تدوین کنیم، اما اسام(ره) با چنین تفکری مخالفت کردند و اصرار داشتند قانون اساسی تدوین شود و بحمدالله قانون اساسی مترقی و خوبی تدوین شد که تا به امروز به عنوان میثاق ملی گره‌گشا بوده است.

استاد دانشگاه تهران البته «نظام نظارتی مردمی» را ضروری می‌داند و معتقد است، اگر جامعه به این سمت سوق پیدا کند، خطای مدیریتی کمتر و رفته‌رفته نظارت مردم نهادینه می‌شود و قطعاً رسانه‌ها در این حوزه نقش مهمی دارند، بنابراین قانون اساسی کشورمان به اندازه‌های ظرفیت دارد که در صورت اجرای صحیح آن می‌توان از گردنه‌های متعدد عبور کرد.

مصداق عینی چنین ظرفی‌تی، انتخاب رئیس جمهور جدید طی ۵ روز بود که بدون ایجاد مشکل اساسی، چنین روندی سریع، صریح و سالم صورت گرفت.

سخن راندن از الزام بازنگری در قانون اساسی بیشتر رنگ‌بوی پوشاندن ضعف‌های اجرایی است، والا مگر ممکن است مجری نیازهای اساسی مصرح در قانون اساسی را تأمین کند و ناراضی‌تی مردم همچنان باقی باشد؟!

شاید یکی از مهم‌ترین زمینه‌های ناراضی‌تی به «تبعیضات ناروا» برمی‌گردد که قانونگذار صریحاً آن را از وظایف دولت تلقی کرده و باید هر چه سریع‌تر مرتفع شود.

حال که کشتی‌بان قوه مجریه را سیاستی دگر آمده است، باید اصول متعدد قانون اساسی مخصوصاً اصول مرتبط با معیشت و رفاه مردم، به درستی و کامل اجرا شود و اگر چنین شد و باز مسئله بازنگری قانون اساسی، مسئله اساسی بود، آن وقت از بازنگری چنین قانونی سخن بگویند.

نیز قرار گرفته است. به عقیده وی، هر چند اصلاحات انجام شده سال ۱۳۶۸ نسبت به اقتضانات آن سال‌ها بود، اما اصلاحات انجام‌شده به قوت اصل قانون اساسی نبود، به همین دلیل ما از بازنگری مجدد در قانون اساسی استقبال نمی‌کنیم و معتقدیم قانون اساسی فعلی به اندازه‌های غنی است که نیاز به بازنگری

کار گیرد، بنابراین اجرای شدن چنین اصول مصرحی، حلال مشکلات است و اگر به درستی اجرا می‌شد، شاهد آشفته‌گی وضعیت اقتصادی و رفاه معیشتی مردم نبودیم که بستر اصلی ناراضی‌تی تراشی هستند، همچنین اصولی مانند: ۲۹(تأمین اجتماعی حقی‌ی همگانی)، ۳۰(آموزش و پرورش رایگان تا

ظرفیت‌های قانون اساسی در نگاه خبرگان و کارشناسان

مترقی‌ترین قانون دنیا در دام سوگیری‌ها!



به گفته وی، وقتی به فصل سوم قانون اساسی نگاه می‌کنیم که در آن حقوق ملت و رابطه آن با کارگزاران، نمایندگان و حاکمیت تعریف شده است، می‌بینیم هر کس مدعی این باشد که خواهد پیوهدیون شناسایی یک حق بدون تعیین نهاد سازوکار نظارت بر اعمال و استیفای آن، واضح و روشن است. در نتیجه صحبت از نهاد «پاسدار حقوق ملت» ضرورت می‌یابد.

به باور این کارشناس، با شناسایی و تثبیت حقوق ملت در قانون اساسی بایسته است تا به بحث صیانت و پاسداری از حقوق شناخته‌شده و رسمیت‌یافته پرداخته شود چراکه لغو و بیهوده‌بودن شناسایی یک حق بدون تعیین نهاد سازوکار نظارت بر اعمال و استیفای آن، واضح و روشن است. در نتیجه صحبت از نهاد «پاسدار حقوق ملت» ضرورت می‌یابد.

ضرورت تغییر نگاه به قانون اساسی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی نیز معتقد است: آنچه به آن نیاز داریم تغییر در نگاه به قانون اساسی و اجرای آن است، نه تغییر در خود قانون اساسی. حکمرانی یک امر ملی است نه یک شعار جناحی که با خواستن یا نخواستن گروه یا حزبی تعیین تکلیف شود. باید بدانیم که کارآمدی، ارزش کانونی حکمرانی است و تا زمانی که به پاسخ مشخص و شفافی به کارآمدی ندهیم و تا وقتی قدرت حل مسائل را پیدا نکنیم، قادر نخواهیم بود مسائل حقوق اساسی مردم را پاسخگو باشیم.

اداره امور جامعه را داریم، حتی گاهی گفته می‌شود: «فراوانی قانون وجود دارد». در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بن‌بستی وجود ندارد و قانونی مترقی است، نه به گواه من یا قانونگذاران بلکه حتی افرادی که خارج از ایران هستند و ممکن است دیدگاه آنها با دیدگاه اسلام متفاوت باشد، اعتراف می‌کنند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یک قانون مترقی است. قانون اساسی به استناد اصل ششم می‌گوید: «آاره امور کشور، کاملاً متکی به آرای عمومی است» و گواه آن، انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات خبرگان و انتخابات مجلس شورای اسلامی است. همینطور وظایف قوای سه‌گانه در این قانون اساسی روشن است و ابهامی در این خصوص وجود ندارد.

وی می‌افزاید: مجلس اختیار وضع قانون عادی را دارد و نمایندگان با ارائه طرح می‌توانند قانون تصویب کنند. دولت و قوه قضائیه می‌توانند به مجلس لایحه بدهند تا مورد بررسی نمایندگان مردم قرار گیرد. معمولاً دست نمایندگان در این

پرسش حقوقی



مجازات فردی که بر خلاف واقع خود را راننده معرفی می‌کند، چیست؟

هر گاه شخصی برخلاف واقع خود را به عنوان راننده وسیله نقلیه مسبب حادثه معرفی کند به سه ماه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. راننده نیز چنانچه در این امر تبانی کرده باشد، به مجازات مذکور محکوم می‌شود.



فحاشی حین رانندگی مجازات دارد؟

قانون مجازات اسلامی در ماده ۸۰۸ از کتاب تعزیرات عنوان می‌دارد: «توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد، مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا ۵۰ هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود». یعنی اگر راننده‌ای بنا به هر دلیلی شروع به توهین کند و آن توهین هم معمولی باشد، یعنی در قول عامیانه توهین ناموسی هم نباشد، طبق این ماده قانونی به ۷۴ ضربه شلاق یا جزای نقدی محکوم خواهد شد و اگر خدای نکرده توهین و فحاشی وی جنبه عامیانه آن را به خود بگیرد، مجازات او از نوع «حد» و برابر با ۸۰ ضربه شلاق خواهد بود که جدای از سختی تحمل شلاق و کسر شأنی که نصیب فرد خاطی می‌شود، امکان محروم‌شدن از بعضی حقوق اجتماعی هم در آینده برای وی متصور است.



اگر خودرو سرقتی باشد و تصادف به خسارت منجر شود، تکلیف قانونی چیست؟

هنگامی که خودرو سرقت شده است یا راننده از سرقتی بودن آن اطلاع دارد و در تصادف باعث خسارت شده است، شرکت بیمه بدون هیچ شرطی، باید خسارت زیان دیده را پرداخت کند و پس از آن می‌تواند از طریق مراجع قانونی برای دریافت تمام یا بخشی از وجوه پرداخت‌شده، به راننده مقصر حادثه (سارق) یا راننده مطلع از سرقتی بودن خودرو) مراجعه کند.



در کدام نوع از تصادفات راننده حق تغییر وضعیت صحنه تصادف را ندارد؟

راننده وسیله نقلیه‌ای که مرتکب تصادف منجر به جرح یا فوت شود، موظف است بلافاصله وسیله نقلیه را در محل تصادف متوقف کند و با نصب علامت ایمنی هشداردهنده، رانندگان وسایل نقلیه دیگر را از وقوع حادثه آگاه سازد و تا هنگامی که تشریفات مربوط به رسیدگی از سوی راهنمایی و ترافیکی و پلیس راه پایان نیافته است، باید از تغییر وضع وسیله نقلیه یا صحنه تصادف خودداری و بلافاصله اقدام به انتقال مجروحان به مراکز درمانی کند. گفتنی است طبق تصرهای در تصادفات منجر به زخمی‌شدن، در صورتی که وسیله نقلیه دیگری برای انتقال فوری مجروحان به مراکز درمانی موجود نباشد، راننده وسیله نقلیه در تصادف می‌تواند با علامت‌گذاری محل قرار گرفتن چرخ‌ها در سطح راه، اقدام به حمل مجروحان با وسیله نقلیه خود کند.



در چه مواردی، راننده وسیله نقلیه‌ای که تصادف کرده و باعث فوت یا آسیب بدنی به شخصی شده است، مسئولیتی ندارد؟

هر گاه راننده‌ای با دانشستن مهارت رانندگی و سرعت مجاز و مطمئن و رعایت سایر مقررات در حال حرکت است در حالی که قادر به کنترل وسیله نباشد و به کسی که حضورش در آن محل مجاز نیست، بدون تقصیر برخورد کند، راننده مسئولیتی ندارد. هر گاه هنگام رانندگی به سبب حوادثی مانند واژگون شدن خودرو یا برخورد آن با موانع، سر نشینان خودرو مصدوم شوند یا فوت کنند، در صورتی که سبب حادثه، علل فیزی همچون زلزله و سیل باشد و راننده تقصیر نداشته باشد، راننده مسئولیتی ندارد، البته بر اساس قانون «بیمه اجباری خسارت وارد‌شده به اشخاص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه» در هر دو مورد بالا، شرکت بیمه‌ای که وسیله نقلیه را بیمه کرده، مکلف به پرداخت دیه اشخاص آسیب‌دیده یا فوت شده است.